



نگاهی به وضعیت وزنه‌برداری ایران در آستانه حضور در المپیک

بیم و امید پولاد مردان در پاریس

گزارش
 شیوانوروزی

آخرین فرصت‌هایش برای کسب سهمیه‌های المپیک استفاده کنند. در شرایطی که زمان کمی تا شروع بازی‌های المپیک ۲۰۲۴ باقی مانده است، تیم‌ملی وزنه‌برداری ایران موفق به کسب سهمیه‌های کامل نشده و در پاریس تنها شاهد حضور دو پولادمرد از کشورمان خواهیم بود. اینکه چرا نتوانستیم سهمیه کامل را بگیریم و سرمربی تیم‌ملی تأکید دارد کسب یک مدال در المپیک نتیجه خوبی خواهد بود، حاصل مشکلات ریزودرشت و فراز و نشیب‌هایی است که وزنه‌برداری ایران طی چند سال گذشته با آن مواجه بوده است.

■ ■ ■

جام جهانی ۲۰۲۴ تايلند آخرين فرصت پولادمردان برای گرفتن جواز حضور در المپیک بود و میرمصطفی جوادى، على داوودى، آيت شريفى و رضا دهدار نمايندگان کشورمان در این رویداد مهم تمام تلاش‌شان را کردند به سهمیه برسند. جوادى و داوودى در اوزان ۱۰۹+ کیلوگرم به این مهم رسیدند و دهدار نیز از رسیدن به آرزویش بازماند. از آنجا که حضور مدعیان المپیک در پوکت الزامی بود، هر چهار نفری که شانس کسب سهمیه داشتند، در جام جهانی شرکت کردند. در سنگین‌وزن داوودى و شريفى روى تخته رفتند؛ على داوودى ضمن کسب سه مدال نقره یک‌ضرب، دوضرب و مجموع المپيکى شد و شريفى هم سه برنز این وزن را به گردن آویخت، جوادى هم در حالی به سهمیه رسید که عملکرد خوبی در جام جهانی نداشت؛ ملى‌پوش وزن ۸۹در حرکات یک‌ضرب شانزدهم شد، در حرکت دو ضرب نیز موفق به مهار وزنه نشد و نتوانست رکورد مجموع را ثبت کند، با این حال او با رکورد ۲۸۴کیلوگرم در رنکینگ جهانی پنجم بود و در واقع جوادى سهمیه‌اش را از طریق رنکینگ به دست آورد. دکامی دهدار از کسب سهمیه در حالی رخ داد که او رکورد مجموع ۲۸۷کیلوگرم را ثبت کرد و در نهایت رده یازدهم رنکینگ آن‌ها را داشت. در واقع ناتوانی او در مهار وزنه ۲۱۴کیلوپی در حرکت دوضرب رزای المپیکى شدن دهدار را به یاد داد. با در نظر گرفتن شرایط سه‌نماینده‌مان در پاریس، نواب نصیر شلال تأکید کرده است اگر یک مدال هم در المپیک بگیریم نتیجه خوبی خواهد بود.

■ ■ ■

کسب سه سهمیه از چهار سهمیه ممکن اگر چه نتیجه بسیار بدى محسوب نمى‌شود اما با توجه به افت محسوس رکوردها، نتایج اخیر و رقابت تنگاتنگ مدعیان برای کسب مدال، تحقق وعده سرمربی در المپیک بسیار سخت به نظر می‌رسد. المپیک از آن دست رویدادهایی است که در آن نمی‌توان یک شبه ره صدساله را رفت و موفقیت برنامه بلندمدت می‌طلبید.

از این‌رو رکوردهای وزنه‌برداران کشورمان نگران‌کننده به نظر می‌رسند چرا که مقابل رقبای سرسخت‌شان در المپیک کار دشواری خواهند داشت. در رقابت‌های قهرمانی جهان ۲۰۲۲، حاصل کار ۱۰وزنه‌بردار اعزامی به ریاض کسب دو طلا و یک برنز بود. همچنین در بازی‌های آسیایی هانگزو همه دیدند تیم کشورمان چطور همه را نسبت به آینده ناامید کرد؛ در المپیک آسیایی و بعد از ۲۱سال هیچ کدام از وزنه‌برداران‌مان موفق به کسب مدال طلا نشدند. علی داوودى با کسب یک نقره، تنها مدال آور ایران بود، در حالی که پیش از این وزنه‌برداری ایران در همه ادوار حضورش در بازی‌های آسیایی حداقل یک مدال طلا کسب کرده بود.

با توجه به رکوردهای ثبت‌شده از سوى حریفان و نمايندگان ایران، در روزهای حساس پیش‌رو انتظار می‌رود کادرفنى و فدراسيون از فرصت باقى مانده تا اعزام به المپیک بهترین استفاده را ببرند.

■ ■ ■

سه مدال طلاى بهداد سلیمى، نواب نصیر شلال و محمدپور و همچنین دو نقره سجاد انوشیروانى و کيانوش رستمى در المپیک ۲۰۱۲ لندن، دو مدال طلاى



کیانوش رستمى و سهراب مرادى در المپیک ۲۰۱۶ و یک مدال نقره المپيکى ۲۰۲۰ توکیو، کارنامه موفقی است که نشان از آپ رفتن تعداد و افت مرغوبیت رنگ مدال‌ها در آن کاملاً به وضوح دیده می‌شود. در واقع رنگ خطر اصلی در بازی‌های توکیو به صدا درآمد ولی کسی آن را نشنید. از آن زمان به بعد اگر چه وعده‌هایی برای تغییر نسل و انجام برنامه‌های طولانی مدت داده شد ولی طبق اعلام نظر بسیاری از کارشناسان و همچنین بااستناد به نتایج کسب‌شده، باید تأکید کرد که خبری از اجزایی شدن وعده‌ها نیست! تغییرات مکرر کادرفنى، اختلاف نظرهای مدیریتی در فدراسیون، عدم توجه به تیم‌های پایه، عدم پشتوانه‌سازی و استعدادیابی از جمله مهم‌ترین عواملی است که وزنه‌برداری ایران را در سرنوشتی سقوط قرار داده‌اند.

کوروش باقرى در المپیک لندن هدایت تیم‌ملی را بر عهده داشت و پس از او کادرفنى بارها دستخوش تغییرات شد. حسین توکلی، سجاد انوشیروانى، محمدحسین برخواه، سعید علی حسینی و نواب نصیر شلال برپاى هستند که طی دهه گذشته سکاندار تیم‌ملی بوده و قاعدتاً هر یک مدال‌خصل خود را پیاده کرده‌اند. در این بین اختلافات مدیریتی

در دوران مرادى، رئیس پیشین فدراسیون را نیز نباید نادیده گرفت. مرادى مخالفان زیادى داشت و این شرایط در دوران مدیریت انوشیروانى، رئیس فعلی فدراسیون نیز وجود دارد. همین اختلاف‌نظرها و درگیری‌های درون‌خانوادگی خود مسبب چالش‌هایی برای وزنه‌برداری بوده است.

گفته می‌شود استقبال نسل جوان از این رشته کاهش یافته و این موضوع باید جدی گرفته شود. به عنوان مثال می‌توان به تعداد شرکت‌کننده‌های رقابت‌های قهرمانی کشور در تابستان سال گذشته اشاره کرد؛ رقابتی که کاهش وزنه‌برداران نوجوان و جوان سراسر آمار نفرات حاضر به وضوح در آن دیده شد و حتی چند استان کشور هیچ نماینده‌ای در رقابت رده‌های پایه نداشتند! این مسئله قطعاً شرایط را سخت‌تر خواهد کرد چرا که استعداد‌های نوجوان و جوان هستند که باید پشتوانه بزرگسالان باشند و آینده این رشته را تضمین کنند. تا وقتی تیم‌های نوجوانان و جوان قوی نداشته باشیم، نمی‌توان و نباید منتظر موفقیت در بازی‌های آسیایی و المپیک بود. در یک دهه اخیر وزنه‌برداری ستاره‌های زیادی را به دلیل بازنشستگی از دست داد، مرادى و رستمى، اما به دلیل نادیده گرفتن موضوع استعدادیابی حرفه‌ای و درست، جانشینی در حدوانداز‌های آنها نداریم. بدون شک رساندن یک پدیده مستعد به سطح بزرگسالان آن هم در حد قهرمانی جهان و المپیک، پروژه‌ای نیست که طی چند ماه و یکی دو سال به سرانجام برسد. این کار باید از طریق برنامه‌ای بلندمدت و در استان‌ها آغاز و در نهایت به رشد و پرورش استعدادها در تیم‌های ملی ختم شود.

چند سالی است همه حرف از «تغییر نسل» در وزنه‌برداری می‌زنند. در حالی که عمر قهرمانی چند مهره کلیدی و مدال‌آور به سر رسید ولی هنوز همان وعده گذشته تکرار می‌شود. همانطور که مسئولان فدراسیون تأکید دارند، افزایش رکوردها زمانبر است. باید تأکید کرد تغییر نسل نیز زمانبر است و تکرار آن تنها حکم بازی با کلمات را دارد. تا المپیک پاریس چهار ماه بیشتر مانده و شاگردان نصیر شلال باید تمام هم و غم‌شان را روی تمرینات بگذارند و باورمانند از حواشی حواس‌شان به این بازی‌ها باشد. فدراسیون اما هم‌زمان با حمایت کامل از تیم اعزامی به المپیک، باید برنامه‌های استعدادیابی و کشف تیغیان را پیش ببرد و از تقویت وزنه‌برداری استان‌ها غافل نشود. از قدرت‌های بزرگ وزنه‌برداری فاصله گرفته‌ایم و باید اعتراف کرد دیگر جزو مدعیان جهان نیستیم. برای با گذشت به روز‌های خوش گذشته برنامه‌ریزی باید در اولویت قرار گیرد، ضمن اینکه باید تغییرات این رشته رصد شود و به تناسب آن فکر و سیستم تمرینی نیز تغییر کند. با مدیریت صحیح و حمایت و کمک همه اعضای خانواده وزنه‌برداری، می‌توان این رشته را به جایگاه واقعی‌اش برگرداند و همچنان روی مدال‌های خوشترنگ آنها حساب کرد.

نگاه

«نگاه جدید»

راه‌نجات وزنه‌برداری

■ فریدون حسن

نورشعله‌های مشعل المپیک که از دور سوسوزن را آغاز می‌کنند، ورزش ایران و جهان هم حال و هوای دیگری پیدا می‌کنند. اینجا در ایران حرف المپیک که به میان می‌آید، خودبه‌خود تمام‌نگاه‌ها معطوف به چند رشته ورزشی خاص می‌شود؛ رشته‌هایی که از دیرباز کارنامه ورزش ایران در بزرگ‌ترین آوردگاه ورزش جهان را پر از مدال کرده‌اند و اگر نبودند، ایران جایی در المپیک نداشت. حرف از وزنه‌برداری و کشتی است و البته طی چند دهه اخیر ورزش‌های رزمی، امروز برای همه مثل روز روشن است که مسئولان ورزش ایران حالا از هر قماش و طیف سیاسی که می‌خواهند باشند، تنها وقتی به فکر رشته‌های مدال‌آور و قهرمانان آن می‌افتند که با المپیک نزدیک باشد یا بازی‌های آسیایی، و‌لا‌در بقیه‌های چشم‌آق‌بان فقط دنبال استال و دست‌شان هم فقط برای اوتالیست‌های همیشه‌شکسته‌خورده به جیب می‌رود. جای تأسف است که امروز شاهد هستیم یکی از مدال‌آورترین رشته‌های ورزش ایران یعنی وزنه‌برداری در آستانه المپیک ۲۰۲۴ با چالشی جدی روبه‌رو شده است، البته که عدم توجه مسئولان ورزش کشور به وزنه‌برداری یکی از علل اصلی افت فاحش این رشته المپیکى و مدال‌آور است، اما در این میان نباید از اختلافات و اتفاقات درونی این رشته هم غافلگیر شد. وزنه‌برداری ایران دست بعد از آخرین درخشش در المپیک یعنی المپیک ۲۰۱۶ برزیل با مشکلات عجیب و غریبی روبه‌رو شد؛ مشکلاتی که البته پیش از اعزام تیم به المپیک برزیل هم خود را نشان داد اما نتیجه به دست آمده در آن میدان باعث شد همه چیز تمام‌شده فرض شود.

اختلافات شدید میان برخی ملی‌پوشان با کادر فنى تیم ملی در سال‌های مختلف، تصمیم‌گیری‌های نادرست مدیران فدراسیون از جمله رؤسای که سر کار آمده و رفته‌اند و برنامه‌ریزی‌های عجولانه و نادرست در راه آماده‌سازی تیم‌های ملی همه دست‌به‌دست هم داده‌اند تا کار وزنه‌برداری ایران طی چند سال گذشته به جایی برسد که امروز حتی برای کسب سهمیه حضور در المپیک هم با چالش و مشکل جدی روبه‌رو باشد.

بدون اینکه اینجا بخواهیم عملکرد کسى را زیر سؤال ببریم (که البته باید برد) باید اذعان کنیم که یکی از دلایل اصلی این افت فاحش تغییرات گسترده و مداوم کادر فنى تیم ملی است، به گونه‌ای که هیچ کدام از چهره‌هایی که طی نسال‌های گذشته سکان هدایت تیم را بر عهده گرفته‌اند، اطمینانی بابت ثبات کارى ندارند و از این مهم‌تر تقریباً هیچ اختیاری در بر خورد با وزنه‌برداران خاطی و زیاده‌خواه هم نداشت‌اند. در چنین اوضاعی طبیعی است که شاهد افت فاحش این رشته باشیم. وزنه‌برداری ایران که طی دو دهه ۷۰ و ۸۰ با کارنامه‌ای درخشان عناوین مهم جهانی و المپیکى را از این خود کرده بود، طی سال‌های نیمه دوم دهه ۹۰ به دلایلی که عنوان شد، تمام عناوین خود را از دست داد و آنها را تقدیم رقیب‌کار تامل‌روز حتی برای حضور در المپیک هم کارش به «چه کنم، چه کنم» برد.

در چنین شرایطی به نظر می‌رسد نجات این رشته المپیکى و مسائل آور تنها با نگاه جدی و حمایت درست مسئولان وزارت ورزش و کمیته ملی المپیک و البته عزم جدی خانواده و وزنه‌برداری میسر است؛ اتفاقی که اگر رخ ندهد به جرت می‌توان گفت باید تمام آن خاطرات خوب و مدال‌آوری‌ها و افتخارات را فقط در کنج موزه‌ها و گوشه و کنار خاطرات‌مان جست‌وجو کنیم. به طور قطع وزنه‌برداری ایران با ادامه این مسیر امیدى به آینده نخواهد داشت.

نگاه کارشناسان در گفت وگو با جوان، ادینا حیرتی

کاهش سهمیه‌ها نشانه افت وزنه‌برداری نیست



محمد حسین برخواه سرمربی سابق تیم ملی

که گریبان همه کشورها را گرفت. در واقع با چانه‌زنی فدراسیون جهانی وزنه‌برداری، IOC پذیرفت که وزنه‌برداری در المپیک باقی‌ماند اما با ظرفیت کمتر، به همین دلیل دیگر اینطور نیست که مثل سابق هر کشور فرصت کسب شش هفت سهمیه را داشته باشد. اکنون سهمیه کشورها به شکل قابل توجهی کاهش یافته است، به طوری که در المپیک پاریس هر کشور تنها سه سهمیه در بخش مردان دارد.

در المپیک توکیو نیز ایران تنها دو سهمیه داشت که موفق به کسب هر دوى آنها نشد تا على داوودى و على هاشمى به عنوان نماينده‌های ایران راهى توکیو شوند، ولی در تعداد سهمیه‌هایی که می‌توانستیم کسب کنیم، بیشتر بود و نماینده‌های بیشتری داشته‌ایم که دو طلاى ارزشمند برگشتیم، اما واقعیت این است که شرایط هر مسابقه با مسابقه دیگر تفاوت دارد. نمی‌توان یک المپیک را با المپیک دیگر مقایسه کرد. مثلاً ما در المپیک ریو، سهراب مرادى و کيانوش رستمى را داشتیم که هر دو جزواستثناهای وزنه‌برداری بودند و موفق به کسب خوشترنگ‌ترین مدال مسابقات شدند، اما در المپیک توکیو، تیم متحول شده بود. استثناهای وزنه‌برداری ایران موفق به کسب سهمیه نشدند تا على داوودى جوان و على هاشمى به عنوان نماينده‌های وزنه‌برداری ایران راهى توکیو شوند؛ وزنه‌برداری‌ه اتفاقاً عملکرد خوبی هم داشتند؛ على داوودى با وجود جوانی‌ای که کار کرد و توانست مدال نقره را برای ایران به ارغان بیابورد، اما کلى هاشمى که ۱۰۹ کیلوگرم بسیار دشوار بود، از همان ابتدا با توجه به رکوردهای زده‌شده مشخص بود که طلا و نقره این وزن سهم آبروزراف

از یک و سیموم مار تیروسیان ارمنستانی است، اما برای برنز ۱۰۹ کیلوگرم هم علی‌هاشمی با هفت‌هشت وزنه‌بردار قدر رقابت داشت. تک‌نماینده روسیه به همراه وزنه‌بردارانى از لئونى، لهستان، کره و بلغارستان حریفان قهار این وزن بودند. اتفاقاً‌هاشمى عملکرد خوبی هم داشت؛ در یک ضرب ۱۸۴کیلوگرم را بالای سر برد، در دو ضرب هم اگر وزنه ۲۲۶کیلوپی را مهار می‌کرد، روى مدال بود. سه مرتبه هم وزنه را روى سینه بالا کشید؛ کارى که تخصص او بود، اما متأسفانه نتوانست در بالا زدن، وزنه را مهار کند. در واقع هاشمى درست‌زمانی که وزنه را روى سینه‌امی کشد، دچار سرگیجه شد و نتوانست آن را بالا ببرد و دستش از لمس برنز المپیک توکیو کوتاه ماند. وزنه‌ای که علی‌هاشمى انتخاب کرده بود، همان



وزنه‌ای بود که نصیر شلال در المپیک لندن با مهارش به خوش‌ترنگ‌ترین مدال مسابقات دست یافت، اما در المپیک توکیو هفت‌هشت وزنه‌بردار برای کسب برنز مسابقات دنبال مهار آن بودند. این در واقع نشان از سطح بالای مسابقات المپیک نیست به دوره‌های قبل دارد. در واقع هر مسابقه شرایط خودش را دارد و نمی‌توان آن را با مسابقات قبلی یا بعدی مقایسه کرد. در هر مسابقه باید وضعیت ورزشکاران خود و همچنین شرایط رقبا را ببینیم. مثلاً ما در ریو به واسطه کیانوش سهراب دو طلاى ارزش را به دست آوردیم، اما قهرمانان المپیک ریو نتوانستند به المپیک توکیو راه یابند. این مسئله در خصوص سایر

اشتباهات متعدد کردیم یک سهمیه از دست رفت

باززش عملکرد قابل قبولی را به نمایش بگذار،د، شاید به همین دلیل هم است که مردم نگاهى متفاوت به وزنه‌برداری دارند و انتظراشان از این رشته بسیار بالاست. هر چند انتظارات کاملاً بیج است، اما نباید فراموش کرد که حمایت‌های مادی و معنوی مسئولان چه در فدراسیون و چه وزارت و حتی کمیته‌ملی المپیک می‌تواند سهم‌بسنایی در محقق کردن انتظارات مردم داشته باشد.

وزنه‌برداری ایران با وجود کسب عنوان‌ها و مدال‌های قابل توجه، افت‌هایی هم داشته‌ام. این امر به دلیل مجموعه‌ای از مشکلات نظیر عدم توجه و حمایت کامل مادی و معنوی، عدم توجه و پرورش رده‌های پایه، دوپینگ، کاهش سهمیه بسیار مهمی است که نمی‌توان با توجه‌هایی نظیر این‌که اگر دهدار موفق به کسب سهمیه می‌شد هم شانس سکو



مشکلات مالی است، البته فدراسیون چه در این دوره و چه در ده‌های قبل در رفع و رجوع برخی از این مشکلات از جمله حفظ سهمیه المپیک به واسطه مراقبت از تیم‌های ملی و ورزشکاران جهت دورى از مقوله دوپینگ عملکرد خوب و قابل قبولی داشته و توانسته است این مشکل را تا حدود زیادی حل کند، به طوری که سهمیه ایران برخلاف توکیو، برای المپیک پاریس کاهش نیافت، اما هنوز در حل‌وفصل برخی مشکلات نتوانسته است انطور که باید و شاید موفق عمل کند؛ مشکلاتی که می‌توان گفت خود را در زدست‌رفتن سهمیه سوم نشان داد و نیازمند برسى و توجه برای حل‌وفصل شدن است.

بدون شک هیچ مربی، وزنه‌بردار و حتی رئیس فدراسیونى دوست ندارد یا دست خالی از مسابقات کسب سهمیه یا حتی المپیک بازگردد، اما ایی اهمیت جلوه‌مدان تاکامى در کسب سهمیه نیز اصلاً قشنگ نیست، خصوصاً که با توجه به مسیری که فدراسیون جهانی ترسیم کرده، به رغم بهتر و اصولی‌تر شدن روند کسب سهمیه نسبت به دوره قبل، ورزشکار باید دو سال با حفظ آمادگی و حضور در پنج‌شش مسابقه انتخابی و زدن رکوردهای قابل قبول، جایگاه خود را جهت کسب سهمیه در رنکینگ حفظ کند و این اصلاً کار آسانی نیست، خصوصاً که مصدومیت خیر نمی‌کند، به همین دلیل کسب سهمیه المپیک اتفاق بسیار مهمی است که نمی‌توان با توجه‌هایی نظیر این‌که اگر دهدار موفق به کسب سهمیه خود را برای پاریس آماده



محمد رشیدی مربی وزنه‌برداری

وزنه‌برداری طی سال‌های اخیر دچار افت محسوسى شده است. کاهش سهمیه‌های المپیک می‌تواند یکی از دلایل این تصور باشد. هر چند سهمیه وزنه‌برداری ایران در المپیک توکیو به دلیل دوپینگ از چهار به دو کاهش یافت، اما در این دوره، با توجه به تصمیمات جدید IOC و فدراسیون جهانی وزنه‌برداری، تعداد سهمیه‌های این رشته به طور کلی برای تمام کشورها، به سه کاهش یافته است. در حالی که پیش‌تر تعداد این سهمیه‌ها شش هفت عدد بود و این کاهش سهمیه به ضرر کشورهایی چون ایران است که همواره حساب ویژه‌ای روی مدال وزنه‌برداری در المپیک می‌کنند. با وجود این‌ا مامراقبت درست و اصولی فدراسیون دوره شد، ولی متأسفانه در کسب هر چهار سهمیه ناکام بودیم، چرا که از همان نخستست جز خود دهدار، کسى به این وزنه‌بردار نگاه المپیکى نداشت، در حالی که اگر اجازه نمی‌دادند کار قطعی شدن سهمیه او به ایستگاه آخر بکشد، شاید امروز ما با چهار سهمیه خود را برای پاریس آماده می‌کردیم، اما مجموعه‌ای از اشتباهات، مانع از این اتفاق شده؛ اشتباهاتی که باید برای ممانعت از تکرار دوباره از آنها درس بگیریم، هرچند شاید هر مربی دیگری جای سرمربی تیم‌ملی بود، وزنه‌هایی متفاوت از آنچه نصیر شلال است دهدار انتخاب کرد؛ انتخاب می‌کرد، اما واقعیت این است که سهمیه ورزشکار را هم نباید نادیده گرفت چرا که برای وزنه‌برداری که دنبال کسب سهمیه است، ۲۱۴ کیلوگرم وزنه‌ای نیست که نتواند از عهده آن بر آید، اما همانطور که گفتم، مجموعه‌ای از اشتباهات باعث شد نتوانیم در کسب سهمیه دهدار موفق عمل کنیم؛ اشتباهاتی که باید تجربه شوند.